



استادان و دانشجویان معترض دانشگاه کابل:

وزیر تحصیلات عالی
برکنار شود

استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کابل هشدار می‌دهند که اگر به خواسته‌هایشان از سوی حکومت پاسخ مثبت داده نشود، دامنه اعتراض‌هایشان را بیشتر از این گسترش خواهند داد. شماری از استادان و دانشجویان دانشگاه کابل در ششمین روز اعتراضاتشان روز یکشنبه در مقابل دانشگاه کابل جمع شدند و خواهان برکناری عیبدالله عیبد وزیر تحصیلات عالی گردیدند.

این استادان و دانشجویان معترض می‌گویند، به اعتراضاتشان تا زمانی ادامه خواهند داد تا این که خواسته‌های آنان پذیرفته شود.

تاج محمد اکبر استاد دانشکده اقتصاد و رییس اتحادیه استادان دانشگاه کابل گفت: «این اعتراضات و... ادامه صفحه 6»

صورت شناسنامه برقی تصویب شده

در مجلس نماینده‌گان

صفحه ۷



چهارشنبه هفته گذشته، مجلس نماینده‌گان روی قانون ثبت احوال نفوس بحث کرد و سرانجام، قانون ترتیب شناسنامه‌های برقی را تصویب نمود.

مجلس نماینده‌گان بر علاوه مواردی که در پشت و روی شناسنامه‌ها گنجانیده می‌شود، گنجانیدن دو مورد تخلص و دین را نیز در رویه شناسنامه‌ها اضافه و تصویب کرد. گفتنی است که ثبت نام اقوام در رویه شناسنامه‌ها از طرف مجلس تأیید نشد و فقط به ذکر آن‌ها در دیتابیس، فیصله و اکتفا شد.

حالا بیم آن می‌رود که سرنوشت این شناسنامه‌ها نیز با سرنوشت قانون اساسی مواجه شود و در توشیح آن، موارد دیگری وارد جزئیات شناسنامه‌های برقی گردد. اما هنوز هم شماری از نماینده‌گان اصرار دارند که باید نام اقوام به گونه آشکار در رویه شناسنامه‌ها گنجانیده شود نه در دیتابیس.

وزارت مخابرات و شهرداری کابل:

جاده‌ها و خانه‌های کابل به سیستم الکترونیک عیار می‌شود



وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی گفت: «این پروژه دو بخش دارد: یک بخش آن سیستم عنعنیهی است که مطابق آن لوحه‌ها در نقاط مختلف شهر نصب می‌شود، ما می‌خواهیم به خاطر نام سرک‌ها و غیر خانه‌ها یک استاندارد ایجاد نماییم؛ سیستم جی‌پاس به خاطر پیدا کردن آدرس بسیار سهولت ایجاد می‌کند، چیزی را که ما در حال حاضر نیاز داریم این است که یک نقشه شهر کابل ساخته شود و بعداً از طریق اینترنت در موبایل‌ها و کامپیوترها گنجانیده شود.»

به گفته آقای سنگین، مصارف این پروژه حدود ۲۵ میلیون دالر از بودجه حکومت پرداخته می‌شود.

به گفته مسوولان حکومت، به خاطر افزایش روز افزون نفوس در شهر کابل، نیاز است تا سیستم آدرس در شهر کابل ایجاد گردد.

وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی به همکاری شهرداری کابل برنامه نامگذاری جاده‌ها و شماره‌گذاری منازل شهر کابل را آغاز می‌کند.

این نخستین بار است که جاده‌ها و خانه‌های شهروندان کابل به سیستم الکترونیک عیار می‌گردد.

انجنیر امیرزی سنگین وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی می‌گوید که در گام نخست در نقشه الکترونیک تمام آدرس‌ها و کوچه‌های کابل درج گردیده و سپس به سیستم اینترنت شامل می‌شود.

تفاهنامه این پروژه روز یکشنبه میان وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و شهرداری کابل به امضا رسید.

آقای سنگین هنگام امضای این تفاهنامه گفت که فهرست تمام آدرس‌های شهر کابل از طریق سیستم جی‌پاس در اینترنت گنجانیده می‌شود.

وزارت خارجه:

خبر سفر هیأت طالبان به ایران بررسی می‌شود
سفارت ایران: این خبر را تأیید نمی‌کنیم

وزارت خارجه افغانستان می‌گوید در رابطه با سفر یک هیأت طالبان به ایران با مقام‌های این کشور گفت‌وگو می‌کنند. خبرگزاری فارس ایران گفته است که هیأتی متشکل از برخی سران طالبان برای مذاکرات صلح به ایران سفر کرده است.

اما سفارت ایران در کابل این خبر را رد کرده است.

رحمت‌الله آزاده، از دفتر مطبوعاتی سفارت ایران در کابل به بی‌بی‌سی گفت که جمهوری اسلامی ایران خبرهای منتشر شده در مورد اینکه هیأتی از گروه طالبان به تهران سفر کرده و با مقامات امنیتی ایران گفت‌وگو کرده است را تأیید نمی‌کند.

در همین حال، مقام‌های وزارت خارجه افغانستان می‌گویند تا زمانی صحت گزارش سفر هیأت طالبان به ایران تأیید نشود، در رابطه با موقف افغانستان در

وزیر صحت عامه:

زمینه تداوی فیستولای
ولادی را فراهم کردیم

وزارت صحت عامه تداوی مرض «فیستولای ولادی» را در شفاخانه ملالی آغاز کرد. این وزارت می‌گوید فیستولای ولادی مرض شایع در بین زنان افغانستان است که آسیب‌های ویران‌کننده روانی، جسمی و اجتماعی در پی دارد.

در حال حاضر تنها دو مرکز در... ادامه صفحه ۱

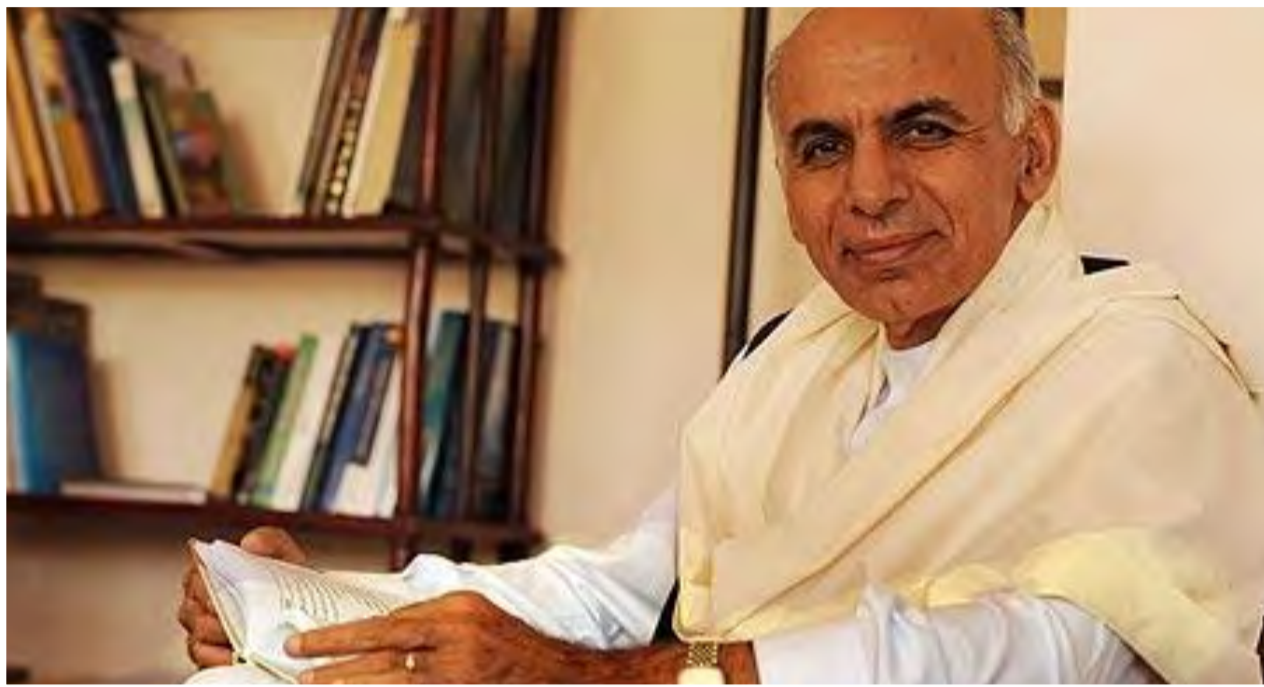
در برگ‌ها

فریب نباید
خورد!این منم،
انسان!بازنمایی
تغییر در
آثار چخوفپاکستان
اوس هم په
افغانستان
کې د
لاسپوڅي
حکومت په
لته کې دی

احمد عمران

فرب نبايد خورد!

(توهم‌زده‌گی سياسي اشرف‌غني احمدزی و ديگر قضایای پشت پرده)



کرد که از درون آن، بحران اقتصادی فعلی به عنوان اصلی‌ترین دستاورد او بیرون تراویده است. آقای احمدزی البته تنها افغانستان را در عرصه اقتصادی زمین‌گیر نکرده؛ بلکه او طراح برنامه دی.دی.آر و خانه‌نشین کردن هزاران افسر و نظامی سابقه‌دار و یا جهادی کشور هم بوده است. او از آن‌جایی که مخالفت فکری با مجاهدین کشور داشت، تلاش ورزید که پس از روی کار آمدن دولت جدید، با استفاده از نفوذ خود در میان متحدان بین‌المللی افغانستان، به تضعیف نقش افسران کارآزموده و یا آتانی که تجربه نبرد با مخالفان مسلح را داشتند، بپردازد. در دانشگاه کابل هم زمانی که آقای احمدزی متصدی آن بود، نتوانست کاری انجام دهد و حداقل نظام آموزش عالی کشور را بازتعریف کند. کارنامه درخشان او در برنامه انتقال مسوولیت‌های امنیتی نیز اظهارمن‌الشمس است؛ برنامه‌یی که از حالا سبب بروز نگرانی‌های جدی در سطح جامعه شده است. آقای احمدزی در برنامه انتقال مسوولیت‌های امنیتی، نشان داد که شناختی سطحی‌نگرانه از آرایش قوا در کشور دارد. با این اوصاف حالا مشخص نیست که چه‌گونه برخی از شخصیت‌های کشور، در وجود آقای احمدزی کسی را می‌بینند که می‌تواند افغانستان را از وضعیت بحرانی فعلی نجات دهد و به همین دلیل، از او حمایت سیاسی می‌کنند. اظهارات اخیر امرالله صالح رئیس پیشین امنیت ملی کشور در محفل بزرگداشت از اشرف‌غنی احمدزی، این شک‌وگمان‌ها را تقویت کرده است که نکند فرب سخنان چرب‌و‌نرم او را این شخصیت‌ها نیز خورده باشند. آقای احمدزی سیاست‌مداری شکست‌خورده است که به هیچ‌صورت نمی‌تواند به جبران کارنامه‌های ناکام خود فایق آید و یا این‌که کشتی شکسته افغانستان را به ساحل نجات برساند. مشخص نیست که چه اتفاقی افتاده که آقای صالح در محفلی که معلوم بود از قبل به نفع آقای احمدزی طراحی شده، چنان سخنانی را به نفع او ابراز می‌کند؛ سخنانی که بدون شک معرف اصلی شخصیت سیاسی آقای احمدزی نمی‌تواند باشند. چون آقای احمدزی، نه شخصیت سیاسی مدبری است و نه شخصیت اکادمیک قابل‌اعتنایی. حرف‌هایی را هم که برخی رسانه‌های غربی در مورد او به عنوان یکی از صد شخصیت اندیشمند جهان گفته‌اند، تنها مصرف سیاسی دارد و بس. زیرا با آن‌همه شخصیت‌های علمی و فرهنگی جهان که می‌اندیشند و حاصل اندیشه آن‌ها هم مشخص است، آقای احمدزی اصلاً به حساب نمی‌آید. اسلاوی ژیزک فیلسوف معاصر جهان که ده‌ها کتاب فلسفی نوشته، به عنوان شخصیت اندیشمند از سوی این‌گونه رسانه‌ها معرفی نمی‌شود و آن‌وقت آقای احمدزی، عنوان یکی از صد اندیشمند جهان را به خود می‌گیرد. زهی خیال باطل!

به هر حال، موضوع اصلی این است که بازهم در انتخابات چهره‌های متعددی را به تماشا خواهیم نشست. برخی از این چهره‌ها از حالا و حتا از ماه‌ها پیش، مبارزات انتخاباتی خود را آغاز کرده‌اند. شاید یکی از این افراد اشرف‌غنی احمدزی رئیس برنامه انتقال باشد. در روزهای اخیر، سخنان و گفت‌وگوهای آقای احمدزی نشان می‌دهد که او بدش نمی‌آید که یک بار دیگر بخت خود را در انتخابات بیازماید. آقای احمدزی در گذشته هم این آزمون را تجربه کرده است، آن‌هم در انتخابات سال ۲۰۰۹؛ انتخاباتی که به‌درستی حداقل در مورد او نشان داد که میزان محبوبیتش در میان مردم چه‌قدر است. آقای احمدزی در انتخابات گذشته حتا در ولایت لوگر که خاستگاه اصلی اوست، نتوانست رای چندانی را به‌دست آورد. اما متأسفانه شرایط پیچیده افغانستان برخی شخصیت‌ها را دچار توهم سیاسی کرده است. در وضعیت بغرنج سیاسی افغانستان، هر کسی که چند «لکچر» در این و یا آن دانشگاه ارایه کرد و یا در برخی پست‌های دولتی وظایف مهمی را بر عهده گرفت، فکر می‌کند که میزان محبوبیتش در میان مردم نیز از این‌گونه مراکز مایه می‌گیرد و به همین دلیل، دچار توهم‌زده‌گی سیاسی می‌شود و عاجل به این فکر می‌افتد که چرا بر کرسی ریاست‌جمهوری افغانستان تکیه زند.

البته نقش برخی نهادها و رسانه‌های غربی نیز در این سوءتفاهم‌های سیاسی نسبت به خود کم نبوده است. برخی‌ها فکر می‌کنند که با گرفتن چند دکترای افتخاری از چند دانشگاه دست آخر غربی، به شخصیت‌های جهانی مبدل شده‌اند. به گفته دکتر رضا شفیعی کدکنی شاعر و ادیب‌شناس معروف، برخی‌ها دکترای ادبیات خود را از کارخانه قند فریمان گرفته‌اند و حالا فکر می‌کنند که پدر ادبیات فارسی هستند. آقای احمدزی نیز یکی از همین افراد است که برخی نهادها و رسانه‌های غربی، سخاوتمندانه عنوان‌های مختلفی را به وی اهدا کرده‌اند. حال آن‌که بسیاری از این مراکز و رسانه‌ها در کشور خودشان هم اعتبار علمی و فرهنگی لازم را ندارند و یا حتا شناخته‌شده نیستند. برخی از این مراکز غربی هم، مثل برخی از دکان‌های صوبه سرحد پاکستان که سند لیسانس و فوق لیسانس خود را در بدل چند روپیه پاکستانی می‌فروشند، چنین القاب و عنوان‌هایی را در بدل پول به افراد تقویض می‌کنند.

آقای احمدزی در یک دهه گذشته در افغانستان به‌سر برده و مردم با کارنامه سیاسی او از نزدیک آشنایی دارند. ناکامی افغانستان در عرصه سیاست‌های اقتصادی، دقیقاً ناشی از برنامه‌های آقای احمدزی است. آقای احمد زی که در آغاز به عنوان وزیر مالیه افغانستان منصوب شد، ساختاری را برای نظام اقتصادی کشور تعریف

شهروندان کشور بر اساس قانون اساسی می‌توانند در انتخابات به عنوان انتخاب‌شونده و یا انتخاب‌کننده شرکت کنند. البته شرایط نامزدی و رای دادن، بر اساس قانون انتخابات مشخص می‌شود. این حق را به عنوان حق شهروندی نمی‌توان از کسی گرفت. اما وقتی مسأله انتخابات ریاست‌جمهوری به میان می‌آید، شرایط می‌تواند برای نامزد شدن دشواری‌هایی را ایجاد کند. در دو انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری، یکی از مشکلات اصلی، کثرت شمار نامزدان بود. هرچند کثرت نامزدان نمی‌تواند مشکلی آن‌چنانی برای انتخابات به شمار رود، ولی چند نکته در این میان قابل مکت است. افغانستان متأسفانه با سیاست‌های حزب‌ستیزانه رییس‌جمهوری، نتوانست ظرف یک دهه گذشته وارد مناسبات دموکراتیک قدرت شود. به این معنا که مجال برای ظهور و بروز احزاب بزرگ ملی فراهم نشد و به همین دلیل، نامزدها در انتخابات عمدتاً به گونه مستقل وارد می‌شوند. هرچند که در برخی موارد نامزدان احزاب هیچ‌گاه از نشانی حزب خود وارد بازی انتخابات نشده‌اند. این موضوع سبب شده که افراد با آجندهای شخصی، به سمت مردم بروند و به‌اصطلاح رای آن‌ها را شکار کنند.

از سوی دیگر، کثرت نامزدان، شرایط را برای تشخیص افراد اصیل محدود می‌کند؛ به این معنا که مردم با دیدن چهره‌های مختلف به نوعی سردرگمی دچار می‌شوند که به کدام یک از نامزدان اعتماد کنند. دولت افغانستان که عمدتاً از نظرات گروهی مشخص متأثر بوده، چنین فضایی را به نفع خود تشخیص داده و از آن حمایت کرده است. شاید دلیل اصلی هم این بوده باشد که در کثرت نامزدان، می‌توان شرایط را برای تقلب و بهره‌برداری‌های نامشروع از آرای مردم مساعد کرد. زیرا در موجودیت چند چهره مشخص که آن‌هم از سوی احزاب معرفی شده باشند، مشکل به نظر می‌رسد که درصد تقلب را بالا برد. آقای کرزی با توسل به چنین شرایطی در دو انتخابات، توانست پیروز این میدان شود.

با این توصیف، ما در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری نیز با کثرت نامزدان روبه‌رو خواهیم بود؛ خلاف اعتقاد تازه آقای کرزی که می‌خواهد این‌بار مردم در انتخابات به شور و مشوره بنشینند و دو سه چهره را از میان آن‌ها برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده، بیرون بکشند. این‌هم از آن نوع طرح‌های سیاسی است که فقط می‌تواند به مخیله شخصی چون آقای کرزی خطور کند. حالا آقای کرزی مشخص نکرد که مردم برای شور و مشوره زیر کدام خیمه با هم جمع شوند، چون بدون شک خیمه لویه‌جرگه چنین ظرفیتی را ندارد که چند میلیون جمعیت کشور را در خود جای دهد.

سخن‌ماندگار

«اجماع ملی» یا نیرنگ ملی؟

به‌تازگی جناب رییس‌جمهور کرزی از ایجاد «اجماع ملی» برای گزینش دو یا سه نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری سخن گفته است. اما این سخنان، با انتقادهای تندی از سوی مجامع سیاسی و رسانه‌ها مواجه شده است.

آقای کرزی به گونه‌یی از اجماع ملی سخن می‌گوید که فقط برای مردم کم‌سواد و بی‌سواد جامعه، قابل پذیرش و تحسین است؛ چنان‌که در ده سال گذشته، او تمام موضع‌گیری‌ها و برنامه‌هایش را بر همین روش و اسلوب بیان کرده است. از ظاهر قشنگ و مردم‌فریبانه سخنان رییس‌جمهور که در سطح عوام ارایه می‌گردد، چنین برمی‌آید که گویا آقای کرزی تلاش دارد در انتخابات پیش رو، از تعدد نامزدان ریاست‌جمهوری جلوگیری کند و مردم را از سرگردانی نجات دهد.

شاید مردمی که از حضور بسیار زیاد افراد به عنوان نامزدان ریاست‌جمهوری، شاک‌اند و به‌نحوی آن را به مسخره می‌گیرند، حرف‌های آقای کرزی را جدی و دقیق تلقی کنند؛ اما آگاهان به این باور استند که اجماع ملی‌یی را که رییس‌جمهور در واپسین سخنرانی‌هایش مطرح می‌کند، از آن صفا و صداقت لازم برخوردار نیست و واقعیت این است که نیم‌کاسه خطرناکی در زیر کاسه اجماع ملی او جا داده شده که فقط به منافع شخصی و سیاسی آقای کرزی خلاصه می‌گردد.

اجماع ملی‌یی را که آقای کرزی، اطرافیان و حامیان او در داخل و بیرون از حکومت مطرح می‌سازند، این‌گونه می‌تواند معنا، تفسیر و پیش‌بینی شود:

نخست این‌که: آقای قیوم کرزی برادر رییس‌جمهور، با یکی دو نامزد دیگر وارد میدان شوند و بزرگان و ریش‌سفیدان و سیاست‌مداران وابسته به آقای کرزی، همه گرد هم آیند و فیصله کنند که باید روی یک مصلحت ملی، از برادر آقای کرزی حمایت صورت گیرد. (البته ساختار قومی نیز در گزینش معاونان و رعایت می‌شود.)

در چنین صورتی و با توجه به به‌کارگیری امکانات دولتی و منابع اقتصادی‌یی که در اختیار این دسته افراد قرار دارد، آقای قیوم کرزی برنده اصلی این انتخابات خواهد بود.

دوم این‌که: باید نامزدانی وارد میدان شوند که در صورت برنده شدن، مصونیت سیاسی و حقوقی آقای کرزی، خانواده و دوستانش را تضمین و تأمین کنند و هرگز از آن‌ها نپرسند که در ۱۲ سال گذشته چه کردند و چه نکردند.

و سوم این‌که: آقای کرزی دست به راه‌اندازی یک لویه‌جرگه فرمایشی می‌زند و در این لویه‌جرگه غیرقانونی، چنان فضا سازی صورت می‌گیرد که گویا برگزاری یک انتخابات سالم در این اوضاع بحرانی در افغانستان ممکن نیست، از این‌رو باید برای چند سال دیگر، روی «مصلحت ملی و اجماع ملی»‌یی که در این جرگه به‌دست می‌آید، آقای کرزی بر مسند ریاست‌جمهوری باقی بماند. (البته تعدیل قانون اساسی در چنین جرگه‌یی نیز چندان دشوار نخواهد بود.)

بدون شک در این اجماع ملی که چند معنا و پیامد احتمالی آن مطرح شد، سرنوشت مردم نه بر بنیاد دموکراسی و انتخابات مستقیم، که بر اساس همان الگوهای کهنه و قدیمی استبدادی رقم می‌خورد.

اگر همه مواردی که در این‌جا طرح شد درست نباشند، دست‌کم اجماع ملی آقای کرزی به‌سان همان مشارکت ملی اوست که در این یازده سال تجربه شده است.

آقای کرزی به این پرسش پاسخ ندارد که اجماع ملی او در محور کدام شاخص‌ها و اصول، سامان می‌یابد. اما تنها قدر معلومش این است که اجماع او برای در دست داشتن قدرت به هر روش ممکن غیردموکراتیک است؛ چیزی که دیگر بازارش را از دست داده است.

خوب است که آقای کرزی اجازه دهد اجماع ملی در محور یک برنامه ملی که در آن اولویت‌های کشور تعیین می‌گردد، توسط کسانی سامان داده شود که برای کشور تولید فکر می‌کنند و دغدغه نجات کشور از بن‌بست موجود را دارند، نه توسط کسانی که در این ده‌سال کشور را به گونه‌یی در گرو داشته و با معامله‌گری، وضعیت را به سوی بحران سوق داده‌اند.

حالا مردم خواهان یک تغییر مثبت در زنده‌گی خود استند و مطمئناً این تغییر در ابقای تیم بر سر اقتدار، میسر نخواهد بود. بنابراین به جرأت باید گفت که «اجماع ملی آقای کرزی» نه یک طرح سازنده، بلکه گامی برای فرب افکار عامه و به عبارتی یک «نیرنگ ملی» است.

دادگاه عالی مصر:

مجلس علیا فاقد اعتبار است



دادگاه عالی مصر در حکمی مجلس علیای این کشور و همچنین کارگروهی را که پیش‌نویس قانون اساسی جدید را تنظیم کرده است، فاقد اعتبار اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، دادگاه عالی قانون اساسی مصر روز یکشنبه، اعلام کرد که قوانینی که بر اساس آن انتخابات مجلس علیای مصر، یا همان مجلس شورا، برگزار شده، از اعتبار ساقط است.

با این حال بر اساس حکم این دادگاه، مجلس علیای مصر تا زمان برگزاری انتخابات بعدی به کار خود ادامه خواهد داد، اگرچه حق وضع قانون ندارد. انتخابات بعدی احتمالاً اواخر سال جاری میلادی یا اوایل سال ۲۰۱۴ برگزار می‌شود.

مجلس علیای مصر زمستان ۱۳۹۱ پس از برگزاری انتخابات، با اکثریت احزاب اسلامی کار خود را آغاز کرد.

مجلس علیای مصر که پیشتر از قدرت چندان برخوردار نبود، پس از منحل شدن مجلس سفلی (مجلس خلق) از سوی دادگاه عالی قانون اساسی در اوایل سال ۱۳۹۱، بر قدرتش افزوده و به مجلس قانون‌گذاری مصر تبدیل شد. مجلس خلق مصر به دنبال برگزاری انتخابات در اواخر سال ۱۳۹۰، با حضور اکثریتی گروه‌های اسلامگرا تشکیل شده بود.

پارلمان مصر از دو بخش مجلس خلق و مجلس شورا تشکیل می‌شود. مجلس خلق در حقیقت به مثابه مجلس نمایندگان آمریکا و مجلس شورا همچون مجلس سنا است.

دادگاه عالی قانون اساسی مصر روز یکشنبه در عین حال کارگروه ۱۰۰ نفره‌ای را که پیشتر از سوی محمد مرسی، رئیس جمهور این کشور برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید تعیین شده بود، غیرقانونی اعلام کرد.

همه‌پرسی بر سر پیش‌نویس قانون اساسی، زمستان ۱۳۹۱ در دو مرحله و به گفته آسوشیئدپرس با حضور «۳۵ درصد» واجدین شرایط برگزار شد و ۶۵ درصد شرکت‌کنندگان به این قانون رأی مثبت داده‌اند.

با توجه به تصویب رسیدن قانون اساسی جدید معلوم نیست که پس از غیرقانونی شناخته شدن کارگروه تهیه کننده پیش‌نویس این قانون اساسی، سرنوشت آن چه می‌شود. برخی کارشناسان معتقدند از آنجایی که این قانون بر اساس همه‌پرسی مردمی به تصویب رسیده، فراتر از حکم دادگاه عالی قانونی اساسی مصر است.

محمد مرسی پیشتر در دفاع از قانون اساسی جدید، گفته بود که این قانون حقوق برابر برای تمام مردم مصر را تضمین می‌کند. با این حال مخالفان می‌گویند حقوق اقلیت‌های مذهبی و زنان در این قانون نادیده گرفته شده است و به همین دلیل اجرای قانون مزبور زمینه‌ساز اختلافات و بی‌ثباتی در مصر خواهد شد.

احمدی نژاد از سانحه

هلیکوپتر جان سالم به در برد



وبسایت رسمی ریاست جمهوری ایران از بروز سانحه برای هلیکوپتر حامل محمود احمدی نژاد و گروهی از همراهان او در ارتفاعات البرز خبر داده، اما نوشته است که «خلبان با مهارت کامل توانست بالگرد را به زمین بنشاند».

آقای احمدی نژاد راهی افتتاح «پروژه بزرگترین تونل جاده‌یی ایران» بوده است.

در گزارش وبسایت ریاست جمهوری ایران آمده است: «این حادثه قبل از افتتاح پروژه و در نزدیکی آن رخ داد.»

آقای احمدی نژاد با موتر به تهران باز گشته است و «در سلامت کامل به سر می‌برد.»

محمود احمدی‌نژاد در این سفر بخش اول تونل امامزاده هاشم، به طول بیش از ۳ کیلومتر را افتتاح کرده است که طولانی‌ترین تونل جاده‌یی در شمال ایران معرفی شده است.

بازداشت دست کم هزار معترض در ترکیه



درگیری معترضان با پولیس در ترکیه روز یکشنبه وارد سومین روز خود شد و گزارش‌ها حاکی است که پولیس این کشور طی این درگیری‌ها ۹۳۹ نفر را در بیش از ۴۸ شهر در سراسر کشور بازداشت کرده است.

خبرگزاری فرانسه خبر داد که پولیس بامداد یکشنبه ناچار به عقب‌نشینی از میدان تقسیم در استانبول شد و هزاران معترض با ورود به این میدان «موفقیت» خود علیه پولیس را در این میدان جشن گرفتند.

میدان تقسیم به خاطر وجود بنای یادبود جمهوری در آن، برای بسیاری از مردم ترکیه نمادی از سکولار بودن کشور است، و طرح‌های دولت اسلام‌گرای رجب طیب اردوغان برای ایجاد تغییرات در ساختار این میدان انگیزه شروع اعتراضات از هفته گذشته شده است.

این اعتراضات از استانبول به انقره و دیگر شهرهای ترکیه سرایت کرده و بنا بر گزارش‌ها سرکوب این اعتراضات که با پرتاب گاز اشک‌آور و استفاده از خودروهای آب‌پاش همراه بوده حدود هزار مجروح برجای گذاشته است.

به گزارش شبکه خبری سی‌ان‌ان، پولیس در انقره

گلوله‌های لاستیکی به سوی تظاهرکنندگان شلیک کرده و استفاده از اشک‌آور علیه معترضان بسیار گسترده بوده است.

عبدالله گل، رئیس جمهور ترکیه، گفته است که اعتراضات «به درجه نگران‌کننده‌یی» رسیده و از هر دو طرف خواسته است تا از خود خویشتنداری نشان دهند.

رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، روز شنبه پذیرفت که برخی از روش‌های سرکوب اعتراضات از جمله استفاده از گاز فلفل «اشتباه» بوده‌است اما تأکید کرد که دولتش پروژه ساخت‌وساز در فضای اطراف میدان تقسیم را دنبال خواهد کرد.

اردوغان در یک نطق تلویزیونی گفت که «پولیس

هشدار فرانسه نسبت به عملیات

تروریست‌ها در ساحل‌عاج



مقام‌های مقابله با تروریسم فرانسه به مسافران و دیپلمات‌ها در ساحل‌عاج در خصوص افزایش تهدید افراط‌گرایی در این کشور هشدار داد.

به گزارش خبرگزاری یونایتدپرس، دولت فرانسه اعلام کرد اعضای یک گروه مظنون به افراط‌گرایی که در حال آماده‌سازی حملات علیه منافع فرانسه در ساحل‌عاج بودند، در ماه مارچ دستگیر شدند.

دیروز(شنبه) در محل حضور داشت، امروز(یکشنبه) هم بود، و فردا(امروز) هم حضور خواهد داشت. نمی‌توان اجازه داد که گروه‌های حاشیه‌یی به راحتی در میدان تقسیم جولان بدهند.»

اعتراضات در استانبول، دوشنبه هفته گذشته، پس از آن آغاز شد که دولت برخی از درخت‌های پارک «گری»، در میدان تقسیم را از ریشه درآورد. معترضان نگران آن هستند که دولت برنامه‌هایی را برای ساخت مسجدی بزرگ در محوطه میدان تقسیم اجرا کند.

معترضان دولت را متهم می‌کنند که به طور فزاینده به سمت محافظه‌کاری و تمامیت‌خواهی حرکت می‌کند و از آن جمله به قانون جدید مربوط به استفاده از مشروبات الکلی اشاره می‌کنند.

دولت ترکیه هفته گذشته قانون جدیدی را ارایه داد که بر اساس آن فروش و تبلیغ مشروبات الکلی محدود می‌شود و رجب طیب اردوغان با دفاع از این قانون تمامی کسانی که از این مشروبات استفاده می‌کنند را «الکلی» لقب داد.

معترضان همچنین رجب طیب اردوغان را متهم می‌کنند که در تمامی جنبه‌های زندگی شخصی مردم دخالت می‌کند و از آنجمله به اظهارات او در مورد برنامه تنظیم خانواده اشاره می‌کنند؛ اردوغان در سخنرانی‌های خود از مردم ترکیه خواسته است که کمتر از سه فرزند به دنیا نیاورند.

ترکیه تحت دولت اردوغان دوره رونق اقتصادی را تجربه می‌کند و حزب اسلام‌گرای «عدالت و توسعه» آقای اردوغان در مناطق روستایی و محلات مذهبی از پشتیبانی زیادی برخوردار است.

رادیو بین‌المللی فرانسه اعلام کرد، این گروه بخشی از یک نیروی تروریستی هستند که عملیات آن‌ها از زمان مداخله فرانسه علیه القاعده در کشور مالی افزایش پیدا کرده است.

دولت ساحل‌عاج به فرانسه در خصوص مداخله نظامی مالی کمک کرده و در حال ایجاد یک نیروی نظامی برای این کشور به منظور واگذاری کنترل امنیتی در این کشور است.

رئیس‌جمهوری ساحل‌عاج تصریح کرد، نیروهای امنیتی در مرز میان ساحل‌عاج و مالی افزایش یافته‌اند و فرودگاه‌ها و دیگر نیروهای بالقوه تروریستی تحت نظارت شدید هستند.

آیا بهار ترکی در راه است؟

توسعه ترکیه می‌دانند که آئین فرهنگی و مذهبی‌شان به رسمیت شناخته نمی‌شود. این فهرست بسیار بلند بالاست که همگی، رفتارهای مستبدانه نخست‌وزیر و سبک خشونت‌آمیز وی و طرح‌های عظیم شهری‌اش که استانبول را به مضحکه تبدیل می‌کند و نیز سیستم طایفه‌ای او را که از ۲۰ سال پیش و زمان شهردار بودنش، در شهر استانبول پایه‌گذاری شده است، به اتفاق محکوم می‌کنند.

حمایت از شروع روند مذاکرات پیوستن به اتحادیه اروپا و حرکت اصلاحات، قدرت اردوغان را شکل می‌داد. او در دو دوره انتخابات در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، که به همه‌پرسی برای حزب «عدالت و توسعه» تبدیل شده بود، به ترتیب ۴۷ درصد و ۵۰ درصد آرا را کسب کرد و قدرتش تقویت شد. این تسخیر انتخاباتی، به اردوغان اجازه داد از دست همه مخالفان داخلی حکومت، خلاصی یابد.

ارتش، دستگاه اداری، دستگاه قضایی و مطبوعات که هر یک به‌طریقی با وی مخالف بودند، به ابزاری در خدمت حزب حاکم «عدالت و توسعه» و رهبر آن درآمدند.

همچنین، زمانی که آشوب‌ها در میدان تقسیم استانبول در جریان بود، شبکه‌های تلویزیونی ترکیه، اردوغان را نشان می‌دادند که در کنفرانسی به مناسبت روز مبارزه با دخانیات در حال سخنرانی بود. پولیس و سایر نیروهای انتظامی نیز، که از زمان به قدرت رسیدن اردوغان تعدادشان سه برابر شده است، تظاهرکنندگان را با خشونت بی‌سابقه و بدون ترس از بازخواست سرکوب می‌کنند.

پس از اصلاح قانون اساسی و تغییر ساختار حکومت ترکیه به سیستم ریاست‌جمهوری، اردوغان در آرزوی تسخیر صندلی ریاست‌جمهوری ترکیه، در سال ۲۰۱۴ است که ترس از سرکوب‌ها و سخت‌گیری‌های جدید را در دل بسیاری انداخته است.



عمومی جامعه لائیک ترکیه قصد استفاده ابزاری از دین را برای ادامه حکومت دارد. از جمله این اقدامات، تصویب قانونی در چند روز گذشته مبنی بر محدود کردن مصرف الکل است.

در همین حال، شهردار انقره مردم را به «رفتار به روش‌های متناسب با ارزش‌های اخلاقی» فراخوانده بود.

پولیس ترکیه با گاز اشک‌آور، آب پرفشار و اسپری فلفل به معترضان برنامه تخریب یک پارک در مرکز استانبول حمله کرد

احزاب چپ و چپ افراطی ترکیه، دانشجویان و اتحادیه‌های کارگری، از سرکوب تظاهرات و موج دستگیری‌ها، که ماه‌ها به پهنانه مبارزه با تروریسم، آنها را هدف قرار داده‌اند، خسته شده‌اند. علویان ترکیه خود را قربانی تبعیض‌های دولت برآمده از حزب «عدالت و

آیا میدان «تقسیم» در شهر استانبول، همان‌طور که برخی تظاهرکنندگان می‌گفتند، به «میدان تحریر» استانبول تبدیل می‌شود؟ به طور قطع، تجمع مردمی در اطراف میدان مرکزی استانبول، به نقطه عطفی در سیاست ترکیه تبدیل خواهد شد.

تظاهرات عده‌یی انگشت‌شمار و اعتراض به تخریب پارک قدیمی «گری» در مرکز شهر استانبول، به جنبش اعتراضی بزرگی بر ضد سیاست‌های رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه تبدیل که با سرکوب شدید و خشونت‌بار پولیس روبرو شد.

اعتراضات این جنبش، متشکل از طیف‌های سیاسی از چپ افراطی تا جناح راست، تبلور همه نارضایتی‌های انباشته شده طی ۱۰ سال قدرت انحصاری اردوغان است که دائماً با آشکارسازی نشانه‌های دینی در فضای



بیماران قلبی هم می‌توانند ورزش کنند؟

آیا از مشکلات قلبی مانند فشار خون و کلسترول بالا یا ضربان غیرمعمول قلب و دیگر بیماری‌های قلبی رنج می‌برید و در عین حال می‌خواهید سلامت قلب خود را افزایش دهید؟

چه بیماری قلبی داشته باشید و چه قلب‌تان از سلامت کامل برخوردار باشد فرقی نمی‌کند، بدن تمام افراد به ورزش احتیاج دارد. در عین حال که ورزش راهی مفید برای درمان و جلوگیری از بیماری‌های قلبی به شمار می‌آید، فواید دیگری هم دارد. جدا از فواید قلبی، زمانی که ورزش را به زنده‌گی روزمره خود اضافه می‌کنید، هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی، احساس بهتری پیدا خواهید کرد. ورزش باعث کاهش استرس، افزایش سلامت قلب و احساس خوش‌حالی می‌شود. پس از همین امروز، بهانه‌تراشی را کنار بگذارید و شروع به ورزش کنید. اما برای شروع ورزش و کمک به سلامت قلب خود به این چند نکته توجه کنید.

■ چه نوع ورزشی مناسب حال شماست؟
پزشکان به بیماران قلبی توصیه می‌کنند ورزش‌های هوازی و قدرتی را در برنامه هفتگی خود بگنجانند. برای این کار لازم است که در هر هفته حداقل 150 دقیقه را به ورزش هوازی ملایم مانند سریع راه رفتن اختصاص دهید یا برای حداقل 75 دقیقه به ورزش‌های هوازی شدید مانند دویدن بپردازید. علاوه بر این، برای تقویت ماهیچه‌های خود، بهتر است که 2 روز در هفته یا بیشتر از وزنه‌های مختلف یا ورزش‌های استقامتی استفاده کنید. هرچه قدر حجم ماهیچه‌ها بیشتر باشد، بدن کارایی بیشتری می‌سوزاند. علاوه بر این، تقویت ماهیچه‌ها به کنترل سطح قند خون کمک می‌کند. بنابراین این نوع ورزش‌ها برای افراد مبتلا به دیابت بسیار مفید هستند. اگر 150 دقیقه ورزش هوازی یا 75 دقیقه ورزش قدرتی شما را وحشت زده می‌کند، به این 5 پیشنهاد توجه کنید:

■ زمان را تقسیم کنید
150 دقیقه ورزش هوازی در هفته را می‌توانید به 5 روز در هفته و هر بار 30 دقیقه تقسیم کنید. هر 30 دقیقه را نیز می‌توانید به 3 دور 10 دقیقه‌ای در روز تقسیم کنید. البته این موضوع بستگی به وضعیت شما و شدت ورزش‌ها دارد. ورزش‌های سبک را بهتر است پشت سر هم انجام دهید و میان ورزش‌های سنگین، وقفه ایجاد کنید تا به بدن‌تان فشاری وارد نشود.

■ راه رفتن را امتحان کنید
قدم زدن یکی از بهترین انتخاب‌هاست. برای انجام دادن آن جز یک جوره کفش ورزشی، به هیچ وسیله دیگری احتیاج ندارید و می‌توانید در هر جایی آن را انجام دهید. بهتر است که ابتدا با سرعت کم شروع کرده و به تدریج به سرعت راه رفتن‌تان بیافزایید. راه رفتن، نوعی ورزش هوازی است که ضربان قلب و گردش خون را افزایش می‌دهد و قلب را تقویت می‌کند. در نتیجه، اکسیژن و مواد مغذی بیشتری به ارگان‌های بدن می‌رسد. علاوه بر این، توانایی شش‌ها برای دریافت اکسیژن را افزایش داده و فشار خون و چربی‌های بدن را کاهش می‌دهد.

■ هنگام ورزش کردن فیلم ببینید
اگر حس و حال ورزش ندارید، می‌توانید برای سریع‌تر گذراندن آن به‌طور هم‌زمان کارهای مورد علاقه‌تان را انجام دهید. برای مثال زمانی که در حال استفاده از تردمیل هستید، می‌توانید در گوشی تلفون یا تبلت‌تان یک فیلم نگاه کنید یا هنگامی که مشغول راه رفتن هستید، می‌توانید به دوست یا یکی از افراد فامیل تلفون کنید. هم‌چنین وقتی در حال پا زدن روی دوچرخه ثابت هستید، می‌توانید کتاب بخوانید. به این صورت گذر زمان را حس نخواهید کرد و تا چشم به هم بگذارید، به اندازه کافی ورزش کرده‌اید.



این منم،

انسان!

نویسنده: سید یحیا یثربی

محور فلسفه، انسان است؛ یعنی موجودی که می‌تواند از جهان، پیام ادراکی دریافت کرده و با سامان دادن این پیام‌ها، نسبت به جهان آگاهی و دانایی داشته باشد. انسان، یک جاندار است و جاندار، یک پدیده طبیعی است. هر پدیده طبیعی، با قوانین خاص خود پدید آمده است. هر جاندار با کمک قوا و غرایز خود به هستی خود ادامه می‌دهد. انسان نیز مانند همه جانداران دیگر با کمک قوا و غرایز خود به زنده‌گی خویش ادامه می‌دهد. تا این‌جا انسان هم جاندار است مانند جانداران دیگر.

انسان در مرحله‌ای از سن خود و لایه در مرحله‌ای از سیر تکاملی خویش، وظیفه دیگری را نیز علاوه بر وظایف زیست‌طبیعی احساس کرده است و آن وظیفه، مخصوص انسان است و هیچ موجود دیگری چنین وظیفه‌ای را احساس نمی‌کند. آن وظیفه عبارت است از «فهم جهان» و «فهم چون و چرای پدیده‌ها و حوادث جهان».

پدیده‌ها و حوادث جهان را همه جانداران به گونه‌ای احساس می‌کنند؛ سرمای زمستان، گرمای تابستان، آب، خوراک، حرکت، خوردن، نوشیدن، خوابیدن، بیدار شدن و امثال آن. همه این‌ها را جانداران انجام می‌دهند. انجام این‌ها برای جانداران بر اساس یک غریزه است، اگرچه در مواردی نیز جانداران کارهایی را بر اساس تربیت انجام می‌دهند، اما به هر حال کار جانداران بیشتر تابع غرایز آن‌هاست. جانداران در برابر این پدیده‌ها و جریان‌های مختلفی که با آن روبه‌رو می‌شوند، توان چون و چرای ندارند، جز انسان که از کنار حوادث و پدیده‌های جهان بدون چون و چرای نمی‌گذرد؛ چرا هوا سرد می‌شود؟ چرا گرم می‌شود؟ آب چیست؟ و چه‌گونه پدید می‌آید؟ و چرا هست؟ هوا چیست؟ و چرا و چه‌گونه پدید آمده است؟ تنها راهی که انسان برای پاسخ به این پرسش‌ها می‌پیماید، راه واریسی این پدیده‌هاست.

فهم جهان نیازمند واریسی تجربی آن است، نه توصیف افسانه‌ی. اما همین واریسی، در دورانی که توان اندیشه انسان و اطلاعات پایه‌ی او ناچیز است، او را گرفتار توصیف افسانه‌ی حوادث جهان می‌سازد. مثلاً جهان از کجا، چه‌گونه و چرا پدید آمده است؟ آب چیست؟ باران چیست؟ ماه و ستاره چرا و چه‌گونه پدید آمده‌اند؟ و امثال این‌ها. انسان ساده و سطح‌اندیش دوران‌های اولیه، پاسخ همه این پرسش‌ها را با واریسی جهان می‌داد.

فهم جهان نیازمند واریسی

تجربی آن است، نه توصیف

افسانه‌ی. اما همین واریسی،

در دورانی که توان اندیشه

انسان و اطلاعات پایه‌ی

او ناچیز است، او را گرفتار

توصیف افسانه‌ی حوادث

جهان می‌سازد. مثلاً جهان

از کجا، چه‌گونه و چرا پدید

آمده است؟ آب چیست؟ باران

چیست؟ ماه و ستاره چرا

و چه‌گونه پدید آمده‌اند؟ و

امثال این‌ها. انسان ساده و

سطح‌اندیش دوران‌های اولیه،

پاسخ همه این پرسش‌ها را

با واریسی جهان می‌داد. اما

او در این پاسخ‌ها چندان

موفقیتی نداشت. به خاطر آن‌که

واریسی‌اش بسیار سطحی

و راه‌حل‌هایش بیشتر جنبه

خیالی داشتند

اما او در این پاسخ‌ها چندان موفقیتی نداشت. به خاطر آن‌که واریسی‌اش بسیار سطحی و راه‌حل‌هایش بیشتر جنبه خیالی داشتند. انسان وقتی در تجربه دیده است که پدیده‌های جهان، آغاز و انجامی دارند، به این سوال دست یافته است که آیا جهان به طور کلی آغاز و انجامی دارد؟ و دیگر اینکه با مشاهده نظم و تعادل در سامان جهان به این پی برده است که موجودات بر اساس حساب و کتابی پدید آمده‌اند. و نیز از راه حوادث و دگرگونی‌های مورد مشاهده در جهان، تغییرات کل جهان را به عنوان مسأله خود مطرح کرده است. اما انسان‌ها به تدریج متوجه این نکته شده‌اند که توصیف‌های افسانه‌ی از پیدایش و تحولات جهان، توصیف‌های قانع‌کننده نیستند.

علم و فلسفه، تلاش آگاهانه انسان برای فهم درست جهان، بر اساس واقعیت‌های جهان است، نه افسانه‌ها و اسطوره‌ها. فلسفه از تخیل، فاصله گرفته و ابزار کار خود را حس و تجربه از طرفی، و عقل و اندیشه از طرف دیگر قرار می‌دهد. تاریخ دانایی بشر، آغاز چنین تلاشی را در یونان ثبت کرده و این افتخار را به فیلسوفان یونان باستان داده است. قوم یونانی پیشرفت ذهنی خود را مدیون شرایط آن محیط بودند. نبوغ یونانی به مطالعه تلاش‌های مقدماتی دانایان بابل و مصر دست یافت و مواد اولیه شناخت علمی جهان را از آنان گرفت. اما چرا خود آنان به چنین کاری توفیق نیافتند؟

در پاسخ این پرسش مورخان فلسفه، علاوه بر ارتباط یونانیان با اقوام و ملل مختلف، این نکته را یادآور شده‌اند که مردم مصر و بابل، دارای طبقه سازمان‌یافته‌ی از کاهنان و عالمان یعنی متولیان باورهای افسانه‌ی نبودند. به هر حال، فلسفه و تفکر فلسفی همانند تفکر علمی، تلاش انسان برای فهم جهان است.

بازنمایی تغییر در

آثار چخوف

(مقاله‌یی از «هارولد بلوم» درباره آنتون چخوف و آثارش)



برگردان: مهدی امیرخانلو

بخش نخست

متن حاضر از مجموعه مقالاتی درباره «آنتون چخوف» انتخاب شده است؛ یکی از بی‌شمار مجموعه‌هایی که «هارولد بلوم» دبیری آن‌ها را برعهده داشته. بلوم رسم دارد که خود مقدمه‌یی بر این مجموعه‌ها بنویسد، حال این ترجمه همان مقدمه است که مترجم عنوانی هم بر آن گذاشته است.

۱- بهترین منتقدان چخوف در این باره هم عقیده‌اند که او ذاتاً یک درام‌نویس است، حتا وقتی داستان کوتاه می‌نویسد. کنش در نمایشنامه‌های او بی‌نهایت فکرسده و مطلقاً گریزناپذیر است، داستان‌های او نیز به روشی که کاملاً خاص چخوف است، دراماتیک هستند. «دی. اس. میرسکی» در اثر راهگشای خود، «تاریخ ادبیات روس»، با لحنی موکد به «فقدان کامل فردیت در شخصیت‌های او و در شیوه سخن گفتن آن‌ها» اشاره می‌کند. اظهار نظر میرسکی ناعادلانه به نظر می‌رسد، اما منتقدی که چخوف را به زبانی غیر از روسی خوانده است، نمی‌تواند در آن چون و چرا آورد؛ زیرا میرسکی به علاوه روسی، چخوف را هم متهم کرده است:

روسی او خالی از رنگ و فاقد فردیت است. او هیچ احساسی به کلمات ندارد. هیچ یک از نویسندگان روس هم طراز او، این چنین به زبانی بی‌روح و خالی از سرزندگی نوشته‌اند. همین ویژگی، ترجمه آثار چخوف را (به استثنای تلمیحات نوعی، اصطلاحات فنی و تکیه‌کلام‌های گهگاهی) بسیار آسان می‌کند. در میان تمام نویسندگان روس، ترجمه آثار او را با کم‌ترین ترس از بی‌وفایی مترجمان می‌توان خواند.

مشکل بتوان باور کرد که اشاره میرسکی به زبان چخوف، کمکی به توضیح این همه سال محبوبیت آثار او در زمینه ادبیات نمایشی، در میان دست‌اندرکاران تئاتر در کشورهای انگلیسی‌زبان، یا داستان‌های او در میان انگلیسی‌خوانان بکند. چخوف، همان‌طور که میرسکی می‌گوید، در شیوه‌یی خاص از بازنمایی، قدرتمند و یگانه است: «هیچ نویسنده‌یی نتوانسته در نمایش انزوای بی‌گریز انسان و متقابلاً ناممکن بودن فهم یکدیگر، از او پیشی بگیرد.» میرسکی این

بهترین نکته‌یی که درباره چخوف

خواننده‌ام، سخنی از «گورکی» است

که نه به آثار او، که به خود او اشاره

دارد: «من گمان می‌کنم در حضور

آنتون پاولوویچ همه در خود میلی

ناخودآگاه به ساده‌تر بودن، صادق‌تر

بودن و در یک کلام خود بودن احساس

می‌کردند.» این همان تأثیری است

که خواندن دوباره «دانشجو» یا «بانو

یا سگ ملوس»، یا حضور دوباره در

اجرای «سه خواهر» یا «باغ آلبالو»،

بر من می‌گذارد. می‌خواهم بگویم

چخوف ما را آدم‌هایی بهتر می‌کند، اما

تا حدی ما را به فکر می‌اندازد که ای

کاش بهتر از این بودیم. چنین میلی،

یا وجود سرکوب شدنش، در نظر من

پدیده‌یی زیباشناختی جلوه می‌کند تا

اخلاقی. چخوف با ژرف‌نگری هنرمندانه

خود، به ساده‌گی به ما می‌آموزاند که

ادبیات شکلی از میل و شگفتی است و

نه شکلی از خیر

را در ۱۹۲۶، احتمالاً بی‌خبر از وجود «کافکا» و پیش از ظهور «بکت»، نوشت؛ اما بازنمایی بکت و کافکا به خواب و خیال و تصاویر وهم‌گون پهلو می‌زند. چخوف انگار واقعیت ساده‌تر و در دسترس‌تر، اما نه به هیچ‌رو خام‌تری را بازنمایی می‌کند.

بهترین نکته‌یی که درباره چخوف خواننده‌ام، سخنی از «گورکی» است که نه به آثار او، که به خود او اشاره دارد: «من گمان می‌کنم در حضور «آنتون پاولوویچ» همه در خود میلی ناخودآگاه به ساده‌تر بودن، صادق‌تر بودن و در یک کلام خود بودن احساس می‌کردند.» این همان تأثیری است که خواندن دوباره «دانشجو» یا «بانو با سگ ملوس»، یا حضور دوباره در اجرای «سه خواهر» یا «باغ آلبالو»، بر من می‌گذارد. نمی‌خواهم بگویم چخوف ما را آدم‌هایی بهتر می‌کند، اما تا حدی ما را به فکر می‌اندازد که ای کاش بهتر از این بودیم. چنین میلی، با وجود سرکوب شدنش، در نظر من پدیده‌یی زیباشناختی جلوه می‌کند تا اخلاقی. چخوف با ژرف‌نگری هنرمندانه خود، به ساده‌گی به ما می‌آموزاند که ادبیات شکلی از میل و شگفتی است و نه شکلی از خیر.

۲- «مرغ دریایی»، به عنوان نسخه‌یی مدرن از «هملت»، «هنری چهارم» پیر اندللو و حتا «دست آخر» بکت را جا می‌گذارد؛ اما تنها به این دلیل که «هملت» ش به طرز بسیار نومیدکننده‌یی ضعیف است. منظوم این نیست که «مرغ دریایی» اثری هم ردیف «دست آخر» یا حتا «هنری چهارم» است؛ نه نیست و از میان چهار نمایشنامه اصلی چخوف، به نظر من این یکی، از همه ضعیف‌تر و مصنوعی‌تر است. اما بهره‌گیری‌اش از «هملت» هوشمندانه و تأثیرگذار است و با وجود محدودیت‌هایش، کم‌دی‌یی که بهتر از آن باشد، کمتر به روی صحنه آمده یا هنوز شوخ‌طبعی خود را حفظ کرده است. در یکی از آبرونی‌های ترسناک چخوف، «تریگورین» در نقش مضحک‌یی از خود چخوف

کوارد» را به آواز بخوانند: نگذار پای دخترت به صحنه برسد، خانم ورتینگتون - نگذار پای دخترت به صحنه برسد!

هرکسی می‌تواند بفهمد که چخوف قصد داشت با نینا چه کند و «ایسن» شاید از آن قسر در رفته باشد [فرار کرده باشد]، اما چخوف آن‌قدر کم‌دی‌نویس خوبی بود که بازنمایی خودش از ایده‌آلیسم نینا را خراب نکند. با این حال، این کاملاً او و ما را از شنیدن شعارهای نینا معاف نمی‌کند: «یاد می‌گیری که چه‌طور صلیبت را به دوش بکشی و ایمان داشته باشی.» چخوف، باهوش‌ترین نویسنده‌گان، هرگز این خطا را در نمایشنامه‌هایش تکرار نکرد.

۳- «اریک بنتلی» در مقاله‌یی درخشان، مشاهدات خود درباره «دایی وانیا» را این‌طور روی کاغذ آورده است: «آن‌چه باعث می‌شود آثار چخوف در زمینه ادبیات نمایشی تا این اندازه بی‌شکل به نظر برسند، در همان ابزاری پنهان شده است که او به کمک آن به شکلی سفت‌وسخت دست می‌یابد؛ یعنی همین زنجیره چای نوشیدن‌ها، آمدن‌ها و رفتن‌ها، وعده‌های غذایی، رقص‌ها، دورهم‌نشینی‌های خانواده‌گی و گفت‌وگوهای تصادفی و بی‌قصدی که نمایشنامه‌های او را تشکیل داده‌اند.» این نوع بی‌شکلی که فقط در ظاهر بی‌شکلی است، همان‌طور که بنتلی در ادامه مقاله خود به آن اشاره می‌کند، چخوف را در طبیعی کردن (naturalizing) گفت‌وگوهای غیرواقع‌گرایانه‌یی چون نطق‌های طولانی و «سولی لوکی‌ها حدیث نفس می‌کنند» یاری می‌رساند، گفت‌وگوها هنگامی بر زبان می‌آیند که دیگران نیز بر صحنه حاضرند، ولی مورد خطاب واقع نمی‌شوند. «طبیعی کردن امر غیرواقع‌گرایانه» درحقیقت خلاصه هنر چخوف در ادبیات نمایشی است، غیر از این نکته که ژرف‌نگری چخوف همواره بر آن است که به ما یادآوری کند «امر واقع‌گرایانه» تا چه حد به واقع ناآشنا (strange) است. اما یک نفر هم ممکن است کاملاً ساده‌دلانه، جسارتی به خرج دهد و بگوید که قدرت آنتون چخوف در انتقال این حس به ماست که هر بار داستانی از او می‌خوانیم یا اجرایی از نمایشنامه‌های او می‌بینیم. خیال می‌کنیم این دیگر همان حقیقت وجودی ماست که آشکار شده. تو گویی چخوف هم خود را بر تکذیب این اعلامیه نیچه گذاشته بود که ما به هنر چنگ می‌اندازیم تا مبدا حقیقت هلاک‌مان کند.

گمان می‌کنم که «دایی وانیا»، مثل «مرغ دریایی»، می‌تواند هر کارگردانی را احیا کند. مخاطب همان چیزی را کشف می‌کند که وانیا و سونیا و حتا آستروف کشف می‌کنند: درون وجود معمولی ما وحشتی حقیقی نهفته است و ما به وجود آن اعتراف می‌کنیم تا مبدا دیوانه شویم یا خشونت بورزیم. نطق پایانی تلخ سونیا را نه می‌توان پذیرفت و نه فراموش کرد. همین پایان‌بندی ما را به فکر فرو می‌برد که چرا در حالی که عنوان فرعی «مرغ دریایی» و «باغ آلبالو»، کم‌دی در چهار پرده است و عنوان فرعی «سه خواهر»، درامی در چهار پرده، «دایی وانیا»، اثری که در آن کل زنده‌گی جز هم‌چون زیستن برای دیگری عرضه نمی‌شود، چنین عنوان فرعی آبرونیکی دارد: «صحنه‌هایی از یک زنده‌گی روستایی در چهار پرده».

«سربریاکف» بازنمایی موثر هرچند ساده‌سازی شده‌یی از کودنی، خودستایی، جهل و همه خصوصیت‌های دیگری است که در سرتاسر جهان به عنوان دشنام برای اساتید دانشگاه به کار می‌روند. بار دیگر با قدرت یگانه زرادخانه آبرونی‌های چخوف مواجه شده‌ایم؛ خصوصیات معنوی و فکری نازل پروفوروند که کمک می‌کنند آگاهی روشن و قابل فهم وانیا و سونیا، آستروف و لینا و نیز طیفی از عواطف بااهمیت برملا شوند، برملاشدنی که البته تنها حاصلش برای همه آن‌ها بدتر شدن زنده‌گی‌یی است که خود به قدر کافی بد بود. تو سرانجام حقیقت را خواهی دانست و حقیقت تو را بیزار خواهد کرد - این را شاید بتوان آموزه آنتون چخوف به شمار آورد، غیر از این نکته که نابغه افسرده ما، بر شاد بودن پای می‌فشارد. چنان‌که بنتلی می‌گوید، سرنوشت شما نامعلوم است، چرا که چخوف حقیقت را در این می‌بیند. بالاترین ستایشی که در حق «دایی وانیا» می‌توان کرد این است که بهره‌یی از جنون هنر والا دارد؛ توصیف کردن آن به این معناست که باور داریم حضور در اجرای آن یا خواندن آن، افسرده‌مان خواهد کرد، اما منزلت زیباشناختی آن تأثیری بس متفاوت برجا می‌گذارد؛ تأثیری غم‌انگیز اما نیرومند، هم‌چون مرثیه‌یی برای زنده‌گی بی‌پیرایه. اگرچه «دایی وانیا» از همان نظم «سه خواهر» و «باغ آلبالو» برخوردار نیست، اما از «مرغ دریایی» سبقت می‌جوید و هم‌چنان فناپذیر است.

ظاهر می‌شود. بعید است کسی بداند که کدام یک از آن‌ها شوخ‌طبع‌تر، به نحو شرم‌آوری فریب‌کارتر و در نهایت خودفریب‌تر اند؛ رمان‌نویس یا بازیگر زن. کار تریگورین با بهره‌مند شدن از پیشنهاد ساده اما خالصانه نینا، برای ویران کردن او آغاز می‌شود، در حالی که هم او، هم آرکادینا و هم ما، می‌دانیم که تریگورین به هر حال آن را قبول خواهد کرد. همین باعث می‌شود که احتیاط‌های او به چشم ما زنده اما خوش‌مزه بیایند: «چرا در ندای او که روحی چنین ناب دارد، این‌همه آوای اندوه می‌شنوم؟ چرا از شنیدن آن این‌همه درد بر قلبم چنگ می‌اندازد؟» اما از این‌هم بهتر وقتی است که خطاب به آرکادینا می‌گوید: «اگر می‌خواستی، می‌توانستی فوق‌العاده باشی.» و باز هم بهتر، قهقهه سنگدلانه ناشی از دیالوگ‌هایی است که پس از زانو زدن آرکادینا در مقابل تریگورین رد و بدل می‌شوند، همراه با اطمینان دادن آرکادینا به تریگورین که او «تنها امید روسیه» است و نویسنده‌یی مطیع که با گفتن این کلمات از هم می‌پاشد: «مرا بگیر، همراه خودت ببر، اما اجازه نده حتا یک قدم از تو دور شوم.» این زیبایی‌ها چه این‌جا و چه در هر جای دیگر این اثر به هم می‌آیند و چخوف به جای این‌که آشکارا این آدم‌های فوق‌العاده جذاب را به قالب روابط خودش با بازیگران زن مختلف درآورد، با آن‌ها به عالی‌ترین کم‌دی دست یافته است.

«مرغ دریایی»، هرچا که کم‌دی خالص است، در نظر من باشکوه جلوه می‌کند. بدبختانه دو فاجعه زیباشناختی دارد: یکی «گستانتین» بداقبال، نویسنده بد و پسر مامان، که آن‌قدر خودکشی‌اش را عقب می‌اندازد تا پایان نمایشنامه سر برسد و دیگری بازیگر بااستعداد «نینا»، قربانی بی‌قرار تریگورین، که عهد‌های بی‌پایانش از سر خوش‌طینتی همیشه مرا بر آن داشته‌اند که آرزو کنم ای کاش کارگردانی پیدا بشود که لایه‌لای دیالوگ‌های او از یکی دو نفر بخواند این آهنگ «نوئل



عتیق الله امرخېل:

پاکستان اوس هم په افغانستان کې د لاسپوڅي حکومت په لټه کې دی



په داسې حال کې چې په هېواد کې د راتلونکيو ټاکنو نېټه رانېږدې کېږي سر له اوسه د وسله والو طالبانو بریدونو زور اخیستی دی او ټول هېواد ته غځېدلي دي. یوشمېر سیاسي شننونکي وايي، چې پاکستان د دغو بریدونو تر شا گڼې موخې تعقیبوي او غواړي چې په افغانستان کې لاسپوڅي حکومت ولري.

ښاغلی حمیدالله توڅی په دې باور دی، چې له ولسمشر نه نیولې تر مرستیالانو، کابینې او نورو چارواکيو پورې یو هم په رښتیا د هېواد دفاع نه کوي؛ بلکې له ولسمشر نه نیولې تر وزیرانو، والیانو او قوماندانو پورې ټول له طالبانو سره سازش کوي.

د نوموړي په وینا، طالبان دومره پیاوړي نه دي لکه څومره یې چې حکومتي چارواکي تمثیليوي.

هغه وايي، پاکستان له طالبانو هم سخته ضربه لیدلې، د پاکستان خلک او ملکي حکومت نه غواړي په افغانستان کې طالبان واک ته ورسېږي او یا هم جگړه دوام وکړي؛ خو یوشمېر کړۍ په پاکستان کې شته چې له طالبانو ملاتړ کوي.

همدارنگه د پوځي چارو شننونکی عتیق الله امرخېل ماندگار ورځپاڼې ته وویل، چې په هېواد کې د روانې نا امنۍ په دوام سره به په هېواد کې انارشي، د قانون نه حاکمیت، زورواکي او په ټوله کې کېوډي به دوام وکړي.

د ښاغلي امرخېل په وینا، له دغو بریدونو نه د پاکستان موخې روښانه دي، چې هغه په افغانستان کې د دوی د لاسپوڅي حکومت رامنځ ته کول، په افغانستان کې د پاکستان د سوداګرۍ دوام، د افغانستان برخلیک، کورنۍ او بهرنی سیاست د پاکستان په خوښه او د هغوی تر کنترول لاندې وي، له هند سره د افغانستان د دوستۍ پرېکول او نور دي.

د دغه پوځي کارپوه په وینا، د پاکستان لومړی پلان دا و چې پاکستان یې پنځمه سوبه وي؛ خو چې هغه پلان یې ناکام شو او یې دغه پلان تر لاس لاندې نیولی دی او د دې کار لپاره خپل نفر لري.

ښاغلی امرخېل زیاتوي، د همدې پلان د پلي کېدا لپاره خلک رالېږي او جگړه پرې کوي.

دا په داسې حال کې ده، چې په تېرو ټاکنو کې هم په ډېرو سیمو کې نا امنی د رایو ورکونکيو پر وړاندې جدي ستونزې را پیدا کړې وې او خلکو ته یې اجازه نه ورکوله چې په ټاکنو کې برخه واخلي. په ځینو سیمو کې چې خلکو رایو ورکړې وه او د طالبانو له گواښونو یې سرغړونه کړې وه؛ د یوشمېر کسانو په وژنې سربېره یې له یوشمېر نورو نه گوټې هم پرې کړې وې.



با وجود حضور نیروهای ناتو، روابط خوب و دوستانه داشته اند.

موسوی گفت موقف رسمی ایران در مورد افغانستان مثبت بوده است: «موقف دایمی رهبران و دولت ایران در رابطه با افغانستان این بوده که آن‌ها طرفدار صلح هستند در افغانستان و تروریسم بین‌المللی که مردم افغانستان را به خاک و خون کشانیده، نه تنها تهدیدی است علیه مردم افغانستان بلکه تهدیدی است علیه تمام منطقه».

خطراهی سفر به ایران وزارت خارجه افغانستان همچنین از شهروندان این کشور خواست تا از سفر به ایران از راهای

غیرقانونی خودداری کنند. مقام‌ها در این وزارت می‌گویند به دلیل انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، تدابیر شدید امنیتی در دو سوی مرز گرفته شده است.

این وزارت از شهروندان افغانستان خواست در صورت سفر به ایران، از راه‌های قانونی استفاده کنند.

آقای موسی زی گفت: «وزارت خارجه از هموطنان عزیز اکیدا می‌خواهد تا فریب قاچاقچران انسان را نخورند و صرف با اسناد قانونی سفر، یعنی با پاسپورت و ویزه از راه‌های قانونی سرحدی رفت آمد نمایند تا سفر مصون داشته باشند».

وزیر تحصیلات عالی...

تحصن ما تا زمانی ادامه خواهد داشت تا به خواسته‌های ما که در قطعنامه آمده است، جواب داده نشود. هر زمانی که این خواسته‌ها پذیرفته شود آن یک قدم خواهد بود.»

از یک هفته بدین سو دانشگاه کابل تعطیل است و استادان و دانشجویان این دانشگاه در اعتصاب درسی به سر می‌برند.

معتضان عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی را به بی‌کفایتی متهم می‌کنند.

در پایان این اعتراض روز یکشنبه استادان و دانشجویان یک قطعنامه را نیز صادر کردند.

از سوی دیگر، این استادان و دانشجویان خواهان تصویب و توشیح هر چه عاجل قانون تحصیلات عالی هم شدند.

عزیز احمد یک تن از استادان دانشگاه گفت: طی مراحل و تصویب قانون تحصیلات عالی از پارلمان کشور، برگزاری انتخابات علمی و اکادمیک در همه سطوح دانشگاه‌ها، برکناری پوهاند داکتر عبید الله عبید وزیر تحصیلات عالی که قبلاً هم در قطعنامه‌های استادان و دانشجویان درج شده است، از خواسته‌های ما می‌باشد.

زمینه تداوی فیستولای...

شفاخانه‌های ملالی و شفاخانه کیور در شهر کابل برای تداوی این مرض وجود دارند. هر دو شفاخانه خدمات رایگان صحتی را برای درمان این بیماری ارایه می‌کنند.

براساس آمار این وزارت، از هر پنج زنی که ولادت انسدادی را تجربه می‌کنند، یک تن به فیستولای ولادی مبتلا می‌شود که به باور مسوولان صحتی، این شمار یک نرخ بالا برای این بیماری می‌باشد.

فیستولای ولادی مرضی است که در اثر طولانی‌شدن پروسه ولادت، یک مجرای غیرطبیعی بین کانال ولادی با مجاری ادرار یا امعا به وجود می‌آید. این معیوبیت سبب می‌شود تا ادرار یا مواد غایط از طریق مجرای ولادی دفع شوند.

ثریا دلیل، وزیر صحت عامه روز یکشنبه در مراسم افتتاح این مرکز گفت: «یک علت عمده فیستولای ولادی، ولادت‌های طولانی و انسدادی است.»

خانم دلیل گفت سو تغذیه، ازدواج‌های پیش از وقت، کم خونی و عدم رشد کافی استخوان‌ها به خصوص در دخترانی که پیش از وقت عروسی می‌کنند، سبب ولادت‌های دشوار می‌شود و این ولادت‌ها بالاخره منجر به فیستولای ولادی می‌گردند.

خانم دلیل گفت ۲۰ درصد نفوس افغانستان در سنین باروری قرار دارند و چهار درصد از مجموع جمعیت این کشور را زنان حامله تشکیل می‌دهند.

این در حالی است که به گفته خانم دلیل تنها ۶۰ درصد زنان حامله در دوران بارداری حداقل یک بار به خدمات صحتی دسترسی دارند. وزیر صحت عامه علاوه کرد که ۳۴ درصد ولادت‌ها توسط افراد مسلکی صورت می‌گیرند.

خانم دلیل گفت در صورتی که برای تداوی این مرض اقدام نشود، سبب می‌شود تا زنان مبتلا، دچار معیوبیت و معلولیت گردند. او گفت: «فیستولای ولادی در ۲۰ درصد آن خانم‌هایی که ولادت‌های انسدادی را تجربه می‌کنند، دیده شده است.»

وزیر صحت عامه تأکید کرد که تکمیل دوره تعلیمی و تحصیلی دختران، تغذیه مناسب، تأخیر در ازدواج و تداوی موثر می‌تواند از ابتلا به این مرض جلوگیری کند. او از پدرها خواست تا در تکمیل دوره تحصیلی دختران بکوشند و از ازدواج‌های پیش از وقت جلوگیری کنند.

جاده‌ها و خانه‌های کابل...

وی در ادامه گفت: «در این‌جا ساحه پلانی و غیر پلانی ندارد، ما ساحات پلانی و غیر پلانی را نمره‌گذاری می‌ماییم، چون حالا ما ماستر پلان منظور شده شهری داریم و انکشاف مجدد پروگرام‌های است که در شهر تطبیق خواهد شد، در جریان تطبیق و تنظیم مجدد اگر تغییرات در خانه‌ها می‌آید آن نمرات حفظ می‌شود و در خانه جدید که ساخته می‌شود همان نمره دوباره برایش داده می‌شود.»

به گفته مقامات، این پروژه بعد از کابل در ولایات مزارشریف، قندهار، هرات و جلال آباد نیز عملی می‌گردد.

به اساس گزارش‌ها، در جریان یازده سال گذشته صدها جریب زمین در نقاط مختلف کشور از سوی زورمندان غصب گردیده و در آنجا ساختمان‌ها به گونه غیر معیاری اعمار گردیده است.

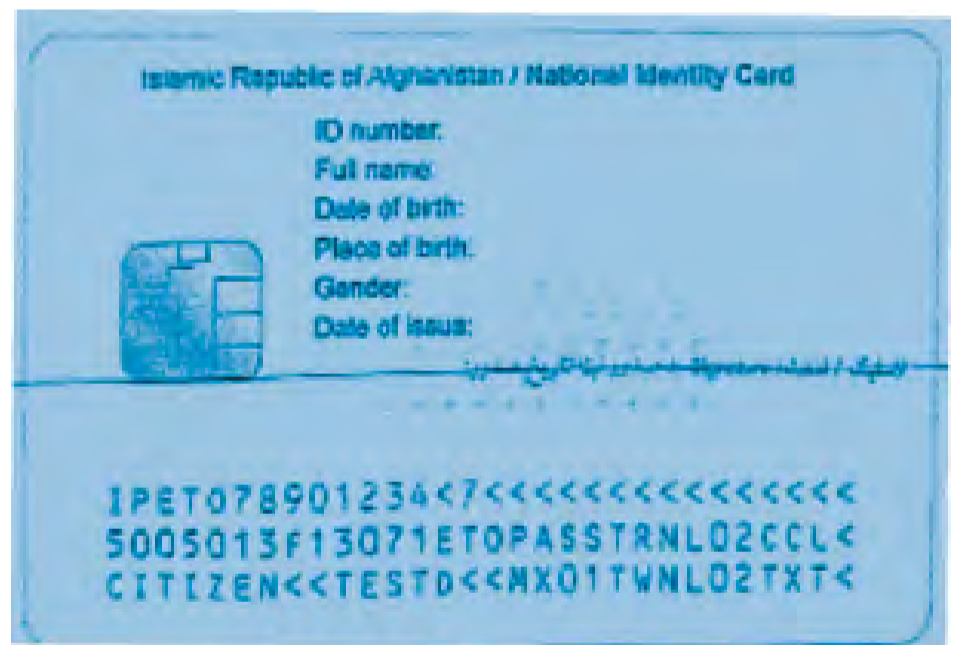
به گفته آگاهان امور، افزایش نفوس و اعمار ساختمان‌ها به طور غیر معیاری کابل را به یک شهر بدون آدرس مشخص مبدل ساخته است.

برخی از مردم شکایت دارند که به هنگام جست‌وجوی یک منزل و یا مارکیست مجبور اند ساعت‌ها را سپری کنند.

صورت شناسنامه برقی تصویب شده در مجلس نمایندگان



تخلص و دین در رویه شناسنامه‌ها اضافه و تصویب شده است
ثبت نام اقوام در رویه شناسنامه‌ها از طرف مجلس تأیید نشد



ضمیمه شماره (۲)
فورم معلوماتی اتباع دولت جمهوری اسلامی افغانستان

معلومات اتباع کشور که در مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال کشور وزارت امور داخله جمهوری اسلامی افغانستان و نمره الکترونیکی (چپ) چاپجا و بعضی آن در تذکره الکترونیکی به شکل شاعری حک می‌شود از جمله معلومات اساسی اتباع کشور مصوب می‌گردد.

۱. شماره تذکره: (شامل کد ولایت، کد ولسوالی/شهر و شماره مسلسل افرادی می باشد).
کد ولسوالی: چهارمکانه سفید که در آن کد ولایت و کد ولسوالی شامل می‌باشد.
سال تولد: چهارمکانه سفید.
شماره مسلسل: پنج‌مکانه سفید که شماره اول به منطقه اولک و شماره بعد به منطقه ذکور اختصاص یافته است.

۲. حکم: (تصویر تازه شخص در صورتیکه حساسیت جدی منسوب نگردد، تذکره بدون حکم نیز به کار اول داده خواهد شد، این استثنا صرفاً برای طبقه اولک می باشد. درین حالت اگر شخص بنا برکدام ضرورت بدو مراجعه می نماید، خدمات نوری باید مستقر داشتن حکم در تذکره باشد. در این صورت حکم شخص گرفته شده و تذکره اش در بدل قیمت معینه تجدید می‌گردد).

۳. نام:
۳.۱. نام پدر:
۳.۲. نام پسر:
۳.۳. نام پدر کنونی:
۳.۴. تاریخ تولد: (روز، ماه و سال) - م. ش.
۳.۵. محل تولد:
۳.۶. سکونت اصلی (قریه / ناحیه / ولسوالی/ شهر - ولایت)
۳.۷. سکونت فعلی (قریه / ناحیه / ولسوالی/ شهر - ولایت)
۳.۸. تاریخ صدور:
۳.۹. امضاء:
۳.۱۰. فریب محبت:
۳.۱۱. حالت مدنی: (مجرد، متأهل)
۳.۱۲. جنس: (مرد، زن)
۳.۱۳. فریب:
۳.۱۴. محل صدور تذکره:
۳.۱۵. معلومات باورمندی: از قبیل نشان انگلستان، سکن عریبه چشم و امثال دیگر
۳.۱۶. زبان خانواده:
۳.۱۷. آشنایی به سایر زبان های ملی:
۳.۱۸. آشنایی به زبان های خارجی:
۳.۱۹. تابعیت مورد:
۳.۲۰. نوع معلومات:
۳.۲۱. محل رهائی نامی (کوچی ها):
۳.۲۲. محل رهائی زمینی (کوچی ها):
۳.۲۳. دین:
۳.۲۴. مذهب:
۳.۲۵. شکل یا نشانه:
۳.۲۶. سطح تحصیلات (بزرگسالان):
۳.۲۷. تغییر محل سکونت اصلی: (بلی/نه، در صورت بل از کجا به کجا)
۳.۲۸. تغییر محل سکونت فعلی: (بلی/نه، در صورت بل از کجا به کجا)
۳.۲۹. تعداد اعضای خانواده (به تفکیک جنسیت):
۳.۳۰. محل رای دهنی:
۳.۳۱. خدمت عسکری:
از جمله معلومات فوق الذکر معلومات استخراج اجزای (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) در روی تذکره ثبت
تجدید می‌گردد است و معلومات اول در عقب تذکره ثبت به زبان های پشتو، فارسی و انگلیسی تحریر گردیده است.

1- ID Number
2- Full Name
3- Date of Birth
4- Place of Birth
5- Gender
6- Date of Issue

اعتراض معلولان به حمله‌کنندگان دفتر صلیب سرخ در جلال‌آباد



تنها مرجعی است که به ما کمک می کند. ما از دولت می خواهیم که از صلیب سرخ حفاظت کند.»
کمیته صلیب سرخ به شکل بی‌طرفانه به طرف‌های درگیر در جنگ کمک می‌کند و گمان می‌رفت که به همین دلیل هم از چنین حملاتی در امان باشد.

صلیب سرخ در افغانستان
کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ۱۵۰ سال پیش تاسیس شد و از فعالیت این کمیته در افغانستان سی سال می‌گذرد.
سخنگوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌گوید که این نهاد در هفده ولایت افغانستان فعالیت دارد.
این کمیته در افغانستان ۱۸۰۰ کارمند داخلی و خارجی دارد.
کمک به اسیران جنگی، عرضه خدمات توانبخشی به معلولان، خدمات صحتی به قربانیان جنگ، توزیع مواد غذایی و غیرغذایی، کمک به بی‌جا شدگان داخلی و خدمات آبرسانی از فعالیت‌های این کمیته در افغانستان است.

یکی از معلولان شرکت کننده در گردهمایی روز گذشته گفت: « ما مشکلاتی زیادی داریم. صلیب سرخ تمامی حمله‌کنندگان را در افغانستان متوقف کرد.»

ده‌ها معلول که بیشترشان دست یا پا نداشتند، در اعتراض به حمله چهار روز پیش شورشیان به دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در شهر جلال‌آباد در برابر دفتر این کمیته در این شهر گردهمایی کردند.

دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جلال‌آباد روز چهارشنبه از سوی دو مهاجم انتحاری هدف حمله قرار گرفت و در نتیجه آن یک نگهبان این دفتر کشته شد.

این حمله در طول فعالیت سی ساله این کمیته در افغانستان، بی‌سابقه خوانده شده است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به هزارها معلول در افغانستان کمک رسانی می‌کند و برنامه‌های فراهم سازی دست و پای مصنوعی این کمیته در افغانستان از شهرتی زیادی برخوردار است.

اعلان داوطلبی

ریاست زراعت آبیاری و مالداري ولایت پنجشیر از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی خریداری تخم اصلاح شده گندم بذری و دو نوع کود کیمیای یوریا و (Dap) درج اسناد بوده و در داوطلبی اشتراک نموده و آفرهای سر بسته خویش را مطابق شرطنامه به لسان دری طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه افغانستان از تاریخ نشر اعلان الا بیست و یک روز کاری ارایه نمایند. اصول شرطنامه و تسلیمی آفرها الا ساعت ۱۰ قبل از ظهر / ۱۳۹۲/ که آخرین میعاد ضرب الاجل تسلیمی آفرها می باشد صورت می گیرد. آفر دیر رسیده انترنی پذیرفته نمی شود. تضمین مبلغ بانکی یا نقده بوده و شرایط اهلیت جواز با اعتبار فعالیت های تجاری ساختمانی توانایی مالی تجربه کاری (کارکرد قبلی در بخش مربوط) در زمینه می باشد.

با احترام

انجینیر عبدالمحیط (وزیری)

سرپرست ریاست زراعت آبیاری و مالداري

آدرس: مرکز ولایت پنجشیر ریاست زراعت آبیاری و مالداري افغانستان.

شماره تماس: ۰۷۹۹۵۶۶۹۱

دختر دوساله بر اثر تجاوز جنسی مرد ۲۲

ساله درگذشت



دیگر در رسانه‌ها پخش و نگرانی‌هایی را در زمینه امنیت کودکان به دنبال داشت.

ماه حوت گذشته سازمان دیدبان حقوق بشر که مرکز آن در امریکا است از شیوه برخورد نهادهای قضایی افغانستان با قربانیان تجاوز جنسی انتقاد کرد.

این سازمان از دولت افغانستان خواست که به جای محاکمه پسرانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، عاملان تجاوز به آنها را تحت پیگرد قرار دهد.

دیدبان حقوق بشر در گزارشی نوشت که نهادهای قضایی افغانستان به جای بررسی پرونده‌های تجاوز جنسی به کودکان، آنها را به مراکز تربیت و اصلاح کودکان می‌فرستند.

به نظر سازمان دیدبان حقوق بشر، کودکانی که یک بار قربانی تجاوز جنسی شده‌اند، وقتی که به مراکز تربیت و اصلاح کودکان فرستاده می‌شوند، بار دیگر قربانی می‌شوند.

مقامها در ولایت هرات تأیید کرده‌اند که یک دختر دوساله در اثر تجاوز جنسی یک مرد ۲۲ ساله جان داده است.

عبدالرووف احمدی سخنگوی پولیس هرات گفته است که این دختر عصر شنبه، در ولسوالی اوبه مورد تجاوز قرار گرفته بود.

آقای احمدی افزوده که عامل این تجاوز به کمک مردم بازداشت شده است.

عصمت‌الله دانشیار ولسوال اوبه گفته که عامل تجاوز که یک مرد بیست و دوساله است در همسایگی خانه این دختر سکونت داشته است.

آقای دانشیار گفت که این کودک برای ساعاتی ناپدید بود و بعد پدر و مادر و مردم روستای محل سکونت او دریافتند که مرد متهم به این دختر تجاوز کرده و او درگذشته است.

خزان گذشته به دنبال پخش خبرهای چند مورد تجاوز جنسی به کودکان در هرات و برخی ولایت‌های دیگر افغانستان، تلاش‌هایی برای جلب توجه مقامها و جامعه به این موضوع به عنوان یک مشکل اجتماعی آغاز شد.

نهادهای حقوق بشری و مدنی خواستار برخورد جدی دولت در این زمینه شدند و شماری از مسوولان رسانه‌های هرات کمپین رسانه‌یی را برای دادخواهی قربانیان تجاوز جنسی به کودکان به راه انداختند.

در ماه عقرب سال گذشته در هرات یک مرد به جرم تجاوز جنسی به دختر نوجوانش از سوی دادگاه محکوم به اعدام شد و یک پسر نوجوان سیزده ساله به اثر تجاوز جنسی دو مرد جان داد.

در آن زمان چند خبر مشابه دیگر هم از برخی مناطق

با بلند شدن آفتاب ستاره‌ها نا پدید میشوند
When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM
نشانی رادیو آموزگار در کابل و ولایت مرکزی افغانستان

Contact Us:
info@amuzgarfm.com
www.amuzgarfm.com
+93 (0) 772929111
+93 (0) 799 879 879

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد.

بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:

۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰ - awmasoud@hotmail.co.uk

۰۷۰۰۲۷۷۸۱ - rowzana@yahoo.com

۰۷۰۲۰۴۴۲۱۰ - mandegar.daily@gmail.com

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

ابن سینا؛ خرد و خود باوری

موسسه تحصیلات عالی ابن سینا

افتخار دارد دوره

ماستری روابط بین الملل

برای داوطلبان با ویژگی‌ها و امتیازات ذیل بر گزار نماید:

- کادر علمی تخصصی با سابقه تدریس و پژوهش در رشته‌های داخلی و خارجی
- استاد و دانشجو علمی اساتید با دیدار گسترده تخصصی مرتبط با رشته
- کتابخانه تخصصی با منابع فنی شامل کتاب، مجلات، مقالات و گزارش‌های پژوهشی
- امکانات مناسب آموزشی
- کربش علمی مناسب با پذیرش محدود
- فیس مناسب تحصیلی (هر سستر ۵۰۰۰۰ افغانی)

لیت نام فقه روزه از تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ ساعت ۸ صبح الی ۵ بعد از ظهر دفتر روابط عمومی

تلفن: ۰۷۹۳۴۰۷۰۷۰

نشانی: کارته چهار، روبروی مکتب متوسطه سید جمال الدین افغان، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

دفتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه

ماندگار

Mandegar

Daily newspaper

تاریخچه به منزلت یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



برای دانشجویان

و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۶۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵